

## واکاوی رویکرد مترجمین قرآن کریم در ترجمه پاره گفتار «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ» براساس کاربردشناسی (مطالعه موردی: سوره مبارکه انعام)<sup>۱</sup>

معصومه پویا<sup>۲</sup>، فرهاد دیوسالار<sup>۳</sup>

### چکیده

کاربردشناسی، دانشی بین رشته‌ای است که به مطالعه معنای نهفته در ورای کلام می‌پردازد و هدف آن تأمل و دقت در سازوکار رابطه ساختار یک متن برای درک درست روند تکوین معنای آن است. قرآن کریم از جمله متونی است که فهم دقیق مفهوم و انتقال آن به خوانندگان غیرعرب بسیار مهم و همواره مورد توجه پژوهش‌گران و مترجمان بوده است بنابراین بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای شناخت و ترجمه دقیق ضروری می‌نماید. ترجمه ادوات تمنی بخصوص حرف «لو» از موارد پرچالش قرآن کریم می‌باشد. مترجمان در ترجمه پاره گفتار «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ» که هفت بار در قرآن کریم آمده اختلاف دارند. با توجه به این که در سوره مبارکه انعام سه بار از این پاره گفتار استفاده شده لذا بررسی این سوره محور تحقیق می‌باشد. این پژوهش تلاش دارد با تکیه بر کاربردشناسی و به کمک نظریه کنش گفتار، به تحلیل این گفتمان قرآنی بپردازد تا با در نظر گرفتن بافت موقعیت آیات و کارگفت‌ها، مراد جدی این پاره گفتارها را شناسایی، و در این مسیر مترجمانی را که با این دیدگاه ترجمه نمودند، معرفی نماید. روش پژوهش به صورت تحلیل متن بر پایه تحلیل و توصیف و تطبیق و ارائه آمار می‌باشد. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که از میان هفتاد ترجمه فارسی تنها ۲۲ درصد آیه ۲۷ و ۱۲ درصد آیه ۳۰ و ۲۷ درصد آیه ۹۳ سوره انعام را به صورت تمنی ترجمه نموده‌اند حال آن که با توجه به بسامد بالای کنش اظهاری-ترغیبی در این آیات، انتقال مراد جدی آیات با تمنی بودن حرف «لو» محقق می‌شود.

**واژه‌های راهنما:** آیات تمنی، بافت، حرف «لو»، کاربردشناسی، کارگفت

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۲ به تصویب رسید.

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست الکترونیک:

masumehpouya@gmail.com

۳. نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست

الکترونیک: divsalarf@yahoo.com

## ۱. مقدمه

برای بررسی و تحلیل گفتمان آیات قرآن علاوه بر دانش واژه‌شناسی و درک معنای کلمات و دانستن ترجمه و تفسیر این آیات، نیازمند شیوه‌های نوین برای شناخت بافت گفتار و درک منظور متن و هدف‌های پنهان در لایه‌های زیرین گفتمان هستیم.

کاربردشناسی یکی از روش‌های مهم در تعبیر عبارات است که معنا را به هنگام کاربرد و در ارتباط با دنیای خارج و در بافت زمانی و مکانی و موقعیتی خود، مورد مطالعه قرار می‌دهد. در بررسی عبارات و واژه‌ها، درمی‌یابیم که برخی از آنان در موقعیت‌ها و بافت‌های مختلف، بار معنایی خاصی دارند. در واقع واژه‌هایی که بر روی محور هم‌نشینی کنار هم قرار می‌گیرند، بر معنای یکدیگر تأثیر می‌گذارند، این تأثیر متقابل می‌تواند سبب انتقال معنی واژه‌ها به هم شود.

این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و تحلیل متن و ارائه آمار، تلاش دارد در بخش تحلیلی به بررسی کاربردشناسی، انواع بافت و کارگفت‌ها پرداخته تا کاربست این نظریه را در تحلیل یک متن مشخص نماید سپس در بخش تطبیقی، ساختار حاکم بر پاره‌گفتار «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ» در معنای تمنی و بافت پیرامونی آن‌ها، بررسی می‌گردد تا برای سؤالات زیر پاسخی در خور و شایسته بیابد:

۱. کاربردشناسی چگونه می‌تواند معادل ترجمه‌ای مناسب برای پاره‌گفتار «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ» بیابد؟

۲. محل قرار گرفتن حروف تا چه اندازه بر معنا تأثیر می‌گذارد؟

۳. ترجمه‌هایی که این پاره‌گفتارها را به شکل تمنی ترجمه کرده‌اند تا چه اندازه در انتقال

درست معنا موفق بوده‌اند؟

جهت پاسخگویی به سوالات پژوهش، فرضیه‌های ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

الف: چنین به نظر می‌رسد که شناسایی کارگفت‌ها و بافت آیات می‌تواند به یافتن معادل معنایی مناسب جهت دستیابی به مراد جدی کلام وحی کمک کند.

ب: به نظر می‌رسد که به کارگیری حرف «لو» در این آیات که دارای کارگفت اظهاری-ترغیبی هستند، مفهوم تمنّا به این حرف داده است.

ج: کشف مراد جدی به کمک کاربردشناسی می‌تواند راهگشای مترجم در درک و ترجمه دقیق این پاره‌گفتارها در قرآن کریم باشد.

## ۲. پیشینهٔ تحقیق

بررسی آیات کریمهٔ قرآن از دیرباز مورد توجه ادب پژوهان بوده است. پیرامون حرف «لو» با دیدگاه نحوی و بلاغی پژوهش‌هایی انجام شده است. جعفری در پژوهش خود (۱۳۸۸)، «لو»های قرآن کریم را ۲۰۱ بار برشمرد که تنها در ۴ مورد، «لو» معنای تمنی می‌دهد؛ شفیعی نیز اقسام لو را از نظر نحوی بررسی نمود و در مورد پاره‌گفتار «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ» در قرآن کریم، تنها به اختلاف ترجمهٔ فولادوند در آیات ۲۷ و ۳۰ سوره انعام اشاره نمود (۱۳۸۹)؛ قائمی و قتالی در پژوهش خود (۱۳۹۲) به بررسی انواع «لو» پرداختند و فقط «لو» مقترن به فاء سببیه را تمنی محسوب نمودند؛ پویا و دیوسالار نیز که با دیدگاه معناشناسی به بررسی «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم پرداختند، ترجمهٔ آن به شکل تمنی را پیشنهاد نمودند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی مترجمان و مفسران قرآن کریم و پژوهش‌های زبان‌شناسانهٔ پژوهشگران در حوزهٔ کلام وحی، می‌توان اذعان داشت در زمینهٔ پژوهش حاضر تاکنون اثری منتشر نشده است و این نوشتار می‌تواند راهگشای خوبی برای پژوهش‌های بعدی در این زمینه باشد.

## ۳. مبانی نظری بحث

### ۳-۱. کاربردشناسی

مطالعهٔ آن بخش از معنای مقصود گوینده را کاربردشناسی نامیده‌اند (یول، ۱۳۷۴، ص. ۱۴۵). از نظر ون دیک کاربردشناسی یعنی مطالعهٔ روابط متن و بافت (۱۳۹۴، ص. ۱۰۵). برای درک معنای دقیق و ترجمهٔ آن به زبان مقصد ابتدا باید به تحلیل کلام مبادرت نمود. «تحلیل کلام، متن را در درون موقعیت واقعی می‌نگرد و همهٔ عوامل مرتبط و دخیل در ارتباط کلامی را مورد توجه قرار می‌دهد» (ملانظر، ۱۳۸۲، ص. ۱۶). یکی از هدف‌های کاربردشناسی، ارائهٔ راهکارهایی برای تبیین و تحلیل نیت و مقصود گوینده یا نویسنده از تولید پاره‌گفتار است. چیزی که در سنت اسلامی و در دانش اصول و تفسیر از آن با عنوان «مرادجدی» یاد شده است (قائمی نیا، ۱۳۹۳، ص. ۸۱).

### ۳-۲. بافت (Context)

بافت فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شوند. هرگاه جمله‌ای در بافت مناسب به کار رود، پاره‌گفتار نام دارد و در واقع پاره‌گفتار حاصل معنای جمله و بافت است (لاینز، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۵).

انواع بافت عبارت‌اند از: بافت زبانی (linguistic context) ارتباط کلمه با کلمات مجاور؛ بافت موقعیتی (situational context) موقعیتی که کلام در آن ادا می‌شود؛ بافت عاطفی (emotional context) میزان قدرت و ضعف را نشان می‌دهد؛ بافت اجتماعی (فرهنگی) (cultural context) محیط فرهنگی و اجتماعی که کلمه در آن واقع می‌شود (جاد الرب، ۱۴۱۳، ص. ۷۱).  
زرکشی دربارهٔ سیاق (بافت) می‌گوید: سیاق از بزرگ‌ترین قراین دال بر مراد متکلم است، پس هر کسی آن را نادیده بگیرد در نظیرش به اشتباه افتد و در مناظراتش دیگران را به اشتباه اندازد (ج ۲، ص. ۲۳۰).

### ۳-۳. کنش‌های گفتار (speech acts)

از نظر آستین (Austin) معنای هر جمله شامل سه بخش می‌باشد: کنش بیانی (Locutionary)؛ کنش غیر بیانی (Illocutionary) و کنش تأثیری (Perlocutionary). کنش بیانی در واقع همان الفاظی است که توسط گوینده تلفظ می‌شود؛ کنش غیربیانی (منظوری) قصد گوینده از بیان جمله‌ای است که بیان می‌شود و کنش تأثیری، تأثیر محسوسی است که ادای یک جمله بر رفتار خواننده یا شنونده می‌گذارد (Austin, 1975, P. 260).

سرل کنش‌های گفتار (کارگفت‌ها) را در پنج گروه طبقه‌بندی کرد: کارگفت اعلامی (Declarative act) نامگذاری واقعه یا اعلان یک رویداد است؛ در کارگفت اظهاری (Representatives) گوینده باور خود را دربارهٔ درستی قضیه‌ای بیان می‌دارد؛ کارگفت ترغیبی (Directives) با استفاده از واژه‌ها مخاطب را به انجام کاری یا بازداشتن از آن ترغیب می‌نماید؛ کارگفت تعهدی (Commissives) در بردارندهٔ تعهدی برای انجام عملی در آینده است؛ کارگفت عاطفی (Expresses) احساس گوینده از طریق واژه‌های عاطفی با بار مثبت و یا منفی بیان می‌گردد (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۷).

### ۴. کاربردشناسی «لو» در قرآن کریم

کلمه «لو» بیش از دویست بار در قرآن کریم به صورت «لو»، «ولو»، «وآلو» به کار رفته است و در همه جا معنای یکسانی ندارد، در مواردی به معنای شرط و در مواردی به معنای تمنی و یا معانی دیگر که با توجه به شکل‌بندی جمله و سیاق آیه معنای مورد نظر به دست می‌آید. البته مواردی هم هست که در معنای مراد، میان مفسران و ادبا اختلاف نظر وجود دارد (جعفری، ۱۳۸۴، ص. ۱).

غرض بلاغی از به کارگیری «لو» در تمنی، آشکار کردن عظمت دو چیز مورد تمنی است؛ زیرا متکلم آن را در یک شکل ممنوع به کار می برد به دلیل این که «لو» در حقیقت حرف امتناع برای امتناع نامیده می شود (برای امتناع جزاء می آید به جهت ممتنع بودن شرط). نکته زیبا در واژه «لو» این است که حرف «لام» خاصیت چسبندگی عمومی ذاتی دارد و حرف «واو» خاصیت جمع دارد. این مسأله با نرمی موجود در حرف لام، تمنی با مدارا و نرمی بوده که از خصوصیات دو حرف «لام-واو» است. چه بسا عنوان شده که «لو» بخاطر خصوصیاتش اصلاً برای تمنی وضع شده است (عباس، ۲۰۰۰، ص. ۱۴۵). در فرق میان تمنی به «لو» و تمنی به «لیت» چنین آمده: «به وسیله «لو» شدت محال بودن متمنی بیشتر است» (فیود، ۱۹۹۸، ص. ۱۶۸).

#### ۴-۱. پاره گفتارهای «وَلَوْ تَرَى إِذْ» در قرآن کریم

در بررسی آیات قرآن کریم مشخص شد که یکصد و هفت بار از «وَلَوْ» استفاده شده که در این میان، هفت بار پاره گفتار «وَلَوْ تَرَى إِذْ» به کار رفته است.

۱. ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ وَفُفُوا عَلَى النَّارِ فَمَا لَوْ يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الأنعام/۲۷).

«کاش آنان را، آن گاه که پای آتش نگاهشان می دارند، می دیدی که می گویند ای کاش ما را

برمی گرداندند تا دیگر آیات پروردگاران را دروغ نشمریم و از جمله مؤمنان شویم.»

۲. ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ وَفُفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

تَكْفُرُونَ﴾ (الأنعام/۳۰). «و کاش (آنان را) آن گاه که در پیشگاه پروردگارشان نگاهشان

می دارند می دیدی؛ خداوند (به آنان) گوید آیا این حق نیست، گویند، البته، قسم به

پروردگاران که حق است، و خدا گوید اکنون بچشید عذاب را به کیفر کفری که

می ورزیدید.»

۳. ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ

تَرِيَاذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ بِجُزُؤِ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ

تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ (الأنعام/۹۳). «و کیست ستمکارتر از آن کس

که به خدا دروغ می بندد یا با آن که هیچ چیز به او وحی نشده می گوید به من وحی شده

است و آن کس که می گوید من هم مثل آنچه خدا نازل کرده، نازل خواهم کرد؟ و

ای کاش ستمکاران را می دیدی، آن گاه که با سختی های مرگ دست به گریبانند و فرشتگان

دست‌های خود را (به‌سوی آنان) دراز کرده‌اند (و به آنان می‌گویند) جان بکنید، امروز از بهر آن سخنان ناحق که درباره‌ی خدا می‌گفتید و در برابر آیات او سرکشی می‌کردید، به کیفر عذابی خوارکننده گرفتار خواهید شد».

۴. ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَقَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَصْرِيحُونَ وَجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ (الأنفال/ ۵۰).  
«ای کاش کافران را، آن‌گاه که ملائکه جانشان را می‌گیرند، می‌دیدید؛ ملائکه بر صورت و بر پشتشان می‌زنند و (می‌گویند) بچشید عذاب سوزان را».

۵. ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَانْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾ (السجده/ ۱۲).  
«و کاش گنه‌کاران را هنگام سرافکندگی در پیشگاه پروردگارشان می‌دیدید (که می‌گویند) بار خدایا دیدیم و شنیدیم، ما را (به دنیا) بازگردان تا کاری شایسته کنیم، ما باور کرده‌ایم».

۶. ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ...﴾ (السبأ/ ۳۱).  
«و کافران گویند ما هرگز نه بدین قرآن ایمان خواهیم آورد و نه بدان‌چه پیش از آن بوده، و کاش ستمکاران را می‌دیدید، آن‌گاه که در برابر پروردگارشان، نگاهشان داشته‌اند و با یکدیگر سخن‌هایی ردوبدل می‌کنند...».

۷. ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (السبأ/ ۵۱).  
«و کاش ببینی (کافران را) آن‌گاه که دچار وحشت می‌شوند، هیچ راه گریزی ندارند و از جایی نزدیک می‌گیرندشان».

ترجمه آیات کریمه این پژوهش از حداد عادل می‌باشد.

#### ۴-۲. ترجمه‌های فارسی « وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ » با دیدگاه تمنی

در بررسی ترجمه این پاره‌گفتار باید اذعان نمود که «هیچ مترجمی نمی‌تواند انتقال دهنده خوبی باشد مگر اینکه زبان مبدأ را خوب فهم کرده باشد و برای فهم زبان مبدأ دانستن معنای واژگان کافی نیست. فرهنگ‌شناسی و شناخت بافت و عوامل فرازبانی دخیل در مفهوم واژگان، امری ضروری است (اشرفی و سید النگی، ۱۳۹۴، ص. ۸۶) و «هدف مطالعات ترجمه بررسی و مطالعه ترجمه‌های واقعی به‌صورت همزمانی و در زمانی است، یعنی وقتی چند ترجمه موازی از یک متن اصلی که مترجمان گوناگون در دوره‌های مختلف بازآفرینی کرده‌اند با یکدیگر (و نیز با اصل

خود) مقایسه می‌شوند، مشکلات و محدودیت‌های کلی را که مترجمان تحت آن، راهکارها و گزینه‌های خود را برمی‌گزینند بهتر روشن خواهد شد» (ملانظر، ۱۳۸۲، ص. ۱۹)، در پژوهش پیش رو نیز هفتاد ترجمهٔ فارسی مورد بررسی قرار گرفت که از این میان، سی و یک مترجم، حداقل یک آیه را به صورت تمنی ترجمه نموده‌اند:

#### الف: ترجمهٔ تمام هفت آیه به شکل تمنی؛

شش مترجمی که بر تمنی بودن هر هفت آیه متفق القولند عبارت‌اند از: حداد عادل، قرشی بنایی، صفوی، معزی، ملکی و موسوی گرمارودی.

#### ب: ترجمهٔ برخی از این آیات به شکل تمنی.

از میان بیست و پنج مترجم دیگر، آدینه‌وند، انصاریان، خواجه‌ی، شیروانی، رضایی اصفهانی، رهنما، صفارزاده و عاملی با ۱ و صادقی تهرانی با ۶ آیه به ترتیب، کم‌ترین و بیشترین آمار ترجمه به شکل تمنی را طبق جدول (۳-۴) دارند.

جدول (۳-۴). تعداد و اسامی مترجمان با دیدگاه تمنی

ردیف	آیات	تعداد	مترجم
۱	۲۷/الأنعام	۱۰	آدینه‌وند، امینیان، بهرام پور، رسولی محلاتی، صادقی تهرانی، صلواتی، فولادوند، کرمی، مکارم شیرازی، نجفی
۲	۳۰/الأنعام	۳	ابراهیمی، صادقی تهرانی، نجفی
۳	۹۳/الأنعام	۱۳	ابراهیمی، انصاریان، برزی، بهرام پور، خواجه‌ی، رسولی محلاتی، صادقی تهرانی، صلواتی، فولادوند، کرمی، مشکینی، نجفی
۴	۵۰/الأنفال	۹	ابراهیمی، امینیان، آیت‌اللهی، بهرام پور، صادقی تهرانی، صفارزاده، عاملی، موسوی همدانی، نجفی
۵	۱۲/السجده	۶	ابراهیمی، رضایی اصفهانی، صادقی تهرانی، فولادوند، کرمی، مشکینی
۶	۳۱/سبأ	۹	ابراهیمی، برزی، بهرام پور، حلبی، رهنما، فولادوند، کرمی، نجفی، یزدی
۷	۵۱/سبأ	۷	ابراهیمی، آیت‌اللهی، بهرام پور، حلبی، صادقی تهرانی، فولادوند، مجد

#### ج: تعداد مترجمان ۳ آیهٔ مورد پژوهش به شکل تمنی

با توجه به موارد الف و ب، تعداد مترجمانی که ۳ آیهٔ مورد پژوهش را تمنی ترجمه نمودند طبق

جدول (۴-۴)، ارائه می‌گردد.

جدول (۴-۴). تعداد مترجمان ۳ آیه مورد پژوهش با دیدگاه تمنی

سوره و آیه	تعداد ترجمه به شکل تمنی	درصد ترجمه تمنی
انعام/۲۷	۱۶	۲۲٪
انعام/۳۰	۹	۱۲٪
انعام/۹۳	۱۹	۲۷٪

#### ۴-۵. بررسی و تحلیل سوره مبارکه انعام براساس کاربردشناسی

با توجه به این که بیشترین تکرار پاره‌گفتار «ولو تری اذ» در سوره مبارکه انعام بوده لذا این سوره به عنوان نمونه، مورد واکاوی دقیق‌تر قرار می‌گیرد.

سوره مبارکه انعام ششمین سوره قرآن کریم است که از دیرباز علما آن را سوره‌ای تماماً مکی دانسته‌اند که یکجا و در یک نوبت در مکه (آلوسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص. ۷۶) در سال چهارم بعثت یعنی آغاز دعوت علنی پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. این سوره، سیاق یک‌پارچه و هماهنگی دارد و محور اصلی آن مسائل اعتقادی در زمینه‌های توحید، نبوت و قیامت می‌باشد (خرقانی، ۱۳۹۸، ص. ۳۰۶) به همین دلیل، بررسی آیات قبل و بعد پاره‌گفتار «ولو تری اذ» جهت دستیابی به معادل دقیق ترجمه‌ای ضروری می‌نماید بنابراین توجه به واژه و معنای ضمنی آن در تحلیل آیات، اهمیت فراوانی دارد و «اگر بخواهیم در بررسی معنا در گفتمان قرآنی به واژه تکیه کنیم باید به معنای ضمنی و یا کاربردی واژه در کلیت قرآن توجه نماییم (سیدی و رئیس‌یان، ۱۳۹۱، ص. ۷۸) از طرف دیگر مترجم در تعیین معادل ترجمه‌ای، معنای ضمنی واژه‌های متن مبدأ را در معادل‌های ترجمه‌ای آن منعکس کند (لطفی پور ساعدی، ۱۳۹۵، ص. ۸۷).

در ترجمه آیات لازم است به این نکته مهم توجه شود که در ترجمه کامل، متون یا عناصر زبان مبدأ و مقصد، زمانی معادل ترجمه‌ای یکدیگر به‌شمار می‌روند که در موقعیت معین قابل تعویض باشند (کتفورد، ۱۳۷۰، ص. ۸۶). مقصود از جایگزینی مناسب عناصر متنی صرفاً انتقال معنا و مفهوم اولیه (قاموسی) این عناصر در زبان مقصد نمی‌باشد، بلکه هر یک از این عناصر متنی در سایه قرار گرفتن در بافت زبانی ویژه و تعامل با سایر عناصر متنی معنا و مفهوم متغیر و



تازه‌ای متناسب با بافت کلی متن پیدا می‌کنند (آزاد دل و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۹).

شرایط فرهنگی، اجتماعی و عاطفی حاکم بر محیط نزول سورهٔ انعام زمینه ساز ادبیات خاصی است که بررسی این بافت زبانی و موقعیتی با توجه به زمان و مکان آن، در تحلیل کاربردشناسانه بسیار اهمیت دارد. بافت کلی متن حاکی از این است که شروع گفتار با حمد خداوند و بیان فاصله گرفتن مردم از فطرت خداطلب و آغاز شرک‌ورزی بوده سپس آغاز خلقت و پایان عمر. رسوخ شک در مردم بعد از فاصلهٔ زمانی به دلیل به کارگیری حرف «ثم» در آیات ۱ و ۲ می‌باشد. زیرا مهم‌ترین معنایی که برای حرف «ثم» در کتب نحو در نظر گرفتند همان «تراخی و فاصله زمانی» است (زجاج، ۱۹۸۸، ج ۱، ص. ۱۰۵).

بیان سریچی از آیات الهی (۳/انعام)، تکذیب حق (۴/انعام) از سابقهٔ مشرکان پرده برمی‌دارد. توجه دادن مشرکان با استفهام انکاری «أَلَمْ يَرَوْا»، و «کم خبریه» که بیان مقدار مبهم می‌باشد و استفادهٔ چندباره از پاره‌گفت‌های «لَوْ نَزَّلْنَا، لَوْلَا أَنْزَلْنَا، لَوْ أَنْزَلْنَا، وَلَوْ جَعَلْنَاهُ، وَلَوْ شَاءَ، لَوْلَا نَزَّلْنَا، لَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ، لَوْ أَنْزَلْنَا» در آیات (۷ و ۸ و ۹/انعام) بستری برای بیان تمناهای بعد فراهم می‌کند. بعد از عبور از این سبک گفتمانی، از آیهٔ ۱۰ به بعد شاهد افعال کنشی (اظهاری-ترغیبی) از مشتقات فعل «قال» هستیم که تا آیهٔ ۱۹، ده بار از فعل امر «قُلْ» استفاده شده که یک فعل کنشی است و دارای کارگفت ترغیبی می‌باشد. افعال مضارع «نقول» (۲۲ و ۲۵/انعام) و ماضی «قالوا» (۲۳/انعام) کارگفت اظهاری هستند. نکتهٔ جالب توجه این است که در هیچ سوره‌ای به اندازهٔ این سوره کلمهٔ «قُلْ» نیامده است. تکرار چهل و چهار بارهٔ این فعل کنشی نشان دهندهٔ بافت موقعیتی و فرهنگی جامعه به علت توقعات بی‌جای مشرکان و لزوم قاطعیت پیامبر اکرم (ص) بود. با وجود پاره‌گفت‌هایی چون (أَلَمْ يَرَوْا آیهٔ ۶، وَإِنْ يَرَوْا آیهٔ ۲۵ و معادل معنایی أَنْظُرْ آیهٔ ۲۴) زمینه برای کنش ترغیبی «وَلَوْ تَرَىٰ» آماده شد هم‌چنین (یوم القیامه، یوم عظیم، یومئذ، یوم نَحْشُرُهُمْ) که در آیات پیشین آمده‌اند معادل معنایی «إِذْ» در پاره‌گفت (ولو تری إذ) می‌باشند.

#### ۱-۵-۴. بررسی و تحلیل آیات ۲۷، ۳۰ و ۹۳ سوره مبارکهٔ انعام

بافت پیرامونی و ارتباط آیهٔ ۲۷ با آیات دیگر بدین شرح می‌باشد: کاربرد «وَلَوْ» در آیات قبل: «وَلَوْ نَزَّلْنَا» (۷/انعام)؛ «وَلَوْ أَنْزَلْنَا» (۸/انعام)؛ «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ» (۹/انعام)؛ جامعه را در وضعیت شروع دعوت و اظهار دعوت نشان می‌دهد اما بعد از هشدار در آیهٔ (۲۳/انعام) با لفظ «أَنْظُرْ کَیْفَ کَذَّبُوا» و بیان این که مشرکان علاوه بر عدم پیروی، مانع دیگران هم می‌شوند (۲۶/انعام) حجت را

تمام کرد و با «وَلَوْ تَرَىٰ» (۲۷/انعام) آرزو می‌کند. مخاطب می‌تواند رسول اکرم (ص) یا هر مخاطبی باشد که پیام دعوت را شنیده است (طبرسی، ج ۴، ص. ۴۴۷). فعل «تَرَىٰ» به ترتیب در آیات ۶ و ۲۵ به اشکال «أَلَمْ يَرَوْا وَّ إِن يَرَوْا» به کار رفته است که بخاطر حرف «لو» تغییر زمانی (مضارع به ماضی) داده است؛ کلمه «إِذْ» زمانیه است و البته زمان رؤیت شیء بعد از وقوع آن شیء است تا واقع نشود قابل رؤیت نیست پس ماضی بودن آن نسبت به زمان رؤیت است (طیب، ۱۳۷۸، ص. ۴۸) و با معادل‌هایی که بر روز قیامت دلالت دارند برابری می‌کند. برخی مفسران معاصر در تفسیر این آیه، «لو» را مانند «لیت» و در معنای تمنی در نظر گرفته است (سبزواری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص. ۱۳۵ / قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص. ۲۰۱).

بنابراین ترجمه حرف «لو» با توجه به کارگفت‌های این آیه که در جدول (۴-۵-۳) ذکر شده، و ارتباطی که این آیه با سایر کلمات متن دارد، تمنایی می‌باشد تا بتواند شدت محال بودن را بیان کند.

«لو» در آیه (۳۰/انعام) به معنی «ای‌کاش» است (سبزواری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص. ۱۴۴ / قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص. ۲۰۲ / صادقی تهرانی، ج ۱، ص. ۱۳۱). فعل «وَقِفُوا» یعنی وقوف بر کلام کسی یعنی فهمیدن و شناختن آن (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص. ۴۵۰). بعد از تمنایی که در (۲۷/انعام) بیان شد، نیت درونی آشکار شد و معلوم شد که اگر بازگشت داده شوند، به شیوه قبل بازخواهند گشت (۲۸/انعام) لذا این تکذیب‌کنندگان که هنگام عرضه شدن بر آتش هم باور قلبی نیافتند و کفر درونی آن‌ها بدل به ایمان نشد (۲۹/انعام)، این بار در آیه (۳۰/انعام) می‌گویند: کاش آن‌ها را در محضر الهی ببینی که خداوند عتاب می‌زند که آیا این حق نیست؟! در این شرایط با سوگند خوردن ابراز ایمان کنند و البته فایده‌ای ندارد. بافت موقعیت این آیه برای کافرانی است که برای مبارزه با اسلام به بدترین شیوه‌ها متوسل شدند لذا پتانسیل تمنای چنین عذابی برای این افراد وجود دارد. افعال کنشی این آیه که در جدول (۴-۵-۳) ذکر شد و بافت پیرامونی، بر ترجمه تمنایی این پاره‌گفتار صحه می‌گذارد.

برخی مفسران حرف «لو» را در «وَلَوْ تَرَىٰ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ» تمنی محسوب نمودند (سبزواری، ج ۱، ص. ۱۴۴ / قرشی بنایی، ج ۳، ص. ۲۷۱) برخی دیگر نظر به این دارند که «لو» حرف شرط امتناعی است و گاهی اوقات نیز چون جواب «لو» نیامده است، به معنای «ای‌کاش» گرفته می‌شود. حال در تعبیر آیه ۹۳، هر دو معنا ممکن است. یعنی هم ممکن است شرطیه باشد، هم

تمنائیه (عابدینی نجف آبادی، ۱۴۰۱، ص. ۱). بافت زبانی این آیه و آیات پیرامون بر ماجرای پیامبران پیشین اشاره دارد. مثلا در آیات (۷۴ و ۸۷/انعام) به آوردن کتاب آسمانی «آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ» و حکمت و نبوت «الْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ» (۸۹ و ۹۱/انعام) توجه می‌دهد. سپس با اشاره به کتاب آسمانی دین مبین اسلام (۹۲/انعام)، افرادی را که بر خداوند افترا زدند و به دروغ ادعای دریافت وحی نمودند، ستمکارترین مردم نامید (۹۳/انعام). با توجه به بافت اجتماعی مکه که محل رفت و آمد کاروانیان بود، ذکر اسامی پیامبران، بر اهمیت دین در جوامع مختلف حکایت دارد و برای هر کس که با ادعای دروغین بخواهد آیاتی را از خودش به نام اسلام عرضه کند، آرزوی بدترین نوع مرگ را می‌نماید. با توجه به کارگفت‌های اظهاری-ترغیبی این آیه که در جدول (۴-۵-۳) آمده ترجمهٔ این پاره گفتار به شکل تمنای مراد جدی این آیات را بهتر نشان می‌دهد.

#### ۲-۵-۴. کنش‌های گفتار آیات ۲۷، ۳۰ و ۹۳ سورهٔ انعام

شناسایی افعال کنشی و کارگفت‌های آیات جهت دستیابی به نوع گفتمان و فضای گفتگو بسیار حائز اهمیت است. باس (Buss) می‌گوید: در برخی دوره‌ها مطالعهٔ متون مقدس که مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر رویکردهای مختلف بوده‌اند، حقایق فرازبانی حاکم بر متن را نادیده گرفته‌اند؛ بدین ترتیب نظریهٔ کنش‌گفتاری می‌تواند این اشکال را بر طرف نماید (۱۹۸۸، ص. ۱۲۶).

#### جدول (۴-۵-۳). کارگفت‌ها و افعال کنشی آیات

آیه	اعلامی	اظهاری	عاطفی	تعهدی	ترغیبی
۲۷ الأنعام	-	فَقَالُوا/ بِآيَاتِ رَبِّنَا	وَلَوْ تَرَىٰ	لَا تُكَذِّبُ/ نَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ	إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ/ يَا لَيْتَنَّا/ نُرَدُّ
فعل کنشی	-	بیان کردن/تفسیر کردن	آرزو کردن	قول دادن/ قول دادن	هشدار دادن/ التماس و تمنا کردن/ درخواست کردن
۳۰ الأنعام	-	قَالَ/ قَالُوا/ قَالَ	وَلَوْ تَرَىٰ/ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ	بَلَىٰ/ وَرَبِّنَا	إِذْ وَقَفُوا/ عَلَى رِجْمِ/ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ/ فَذُوقُوا الْعَذَابَ

	فعل کنشی	-	بیان کردن / بیان کردن / بیان کردن / کردن	آرزو کردن / فرضیه داشتن	بیان موافقت کردن / قسم خوردن	هشدار دادن / هشدار دادن / بازخواست کردن / دستور دادن
۹۳ الأنعام	کارگفت	-	مِنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا / قَالَ / أَوْحَى إِلَيَّ / وَمَ يُوحِ إِلَيْهِ شَيْءٌ / قَالَ / سَأُنزِلُ / مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ / الْمَلَائِكَةُ بِأَسْطُو أَيْدِيهِمْ	وَلَوْ تَرَى / وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ	-	مَنْ أَظْلَمُ / الظَّالِمُونَ فِي عَمَرَاتِ الْمَوْتِ / أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ / الْيَوْمَ يُحْزَنُونَ عَذَابَ الْهُونِ / بِمَا كُنْتُمْ تَفُؤُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرِ الْحَقِّ /
	فعل کنشی	-	نسبت دادن / بیان کردن / ادعا کردن / نفی کردن / بیان کردن / ادعا کردن / توصیف کردن / توصیف کردن /	بیان آرزو کردن / نا امید شدن	-	سوال کردن / هشدار دادن / دستور دادن / هشدار دادن / بازخواست کردن /

### نتیجه گیری

پس از بررسی سوره مبارکه انعام بر اساس علم کاربردشناسی، چنین نتیجه گرفته می‌شود که در تحلیل پاره‌گفتار «وَلَوْ تَرَى إِذْ» جهت دریافت مراد جدی و درک دقیق مفهوم گفتمان، استفاده از نظریات کنش‌گفتار و استخراج کارگفت‌های آیات راهگشا می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که قرار گرفتن حرف «لو» که از حروف پرکاربرد در قرآن کریم است در بافتی که در آن کارگفت اظهاری-ترغیبی بیشترین بسآمد را دارد، مترجم را به مفهوم تمنایی که به نوعی ترغیب مخاطب برای انجام کنش مطلوب است، هدایت می‌کند. مترجمان قرآن کریم با به کارگیری کاربردشناسی و نظریه کارگفت به صورت علمی به درک مراد جدی کلام وحی نائل می‌شوند و این روش می‌تواند منجر به تعادل ترجمه و ارائه ترجمه تأثیرگذار شود. بررسی آمار ترجمه این پاره‌گفتارها نشان می‌دهد که طبق جدول (۴-۳) از میان هفتاد ترجمه فارسی تنها ۱۶ مترجم آیه ۲۷ و ۹ مترجم آیه ۳۰ و ۱۹ مترجم آیه ۹۳ انعام را به شکل تمنی ترجمه نمودند در صورتی که با توجه به کاربردشناسی، همه این پاره‌گفتارها باید به شکل تمنی ترجمه می‌شد تا به عنوان یک گفتگوی هدمند و تأثیرگذار با توجه به بافت کلام وحی، مخاطب را

به کنش وا دارد. تداوم چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به مترجمان کلام وحی دیدگاه جدیدی بدهد تا در ترجمه، مخصوصاً ترجمه متون مقدس علاوه بر صرف و نحو بلاغت، از زبان‌شناسی جهت دریافت معنای مقصود بهره گیرند و خوانندگان ترجمه نیز به کنش منظوری گفتمان دست یابند.

## منابع:

### القرآن الکریم.

آزاد دل، ع.، گرجامی، ج. و بهره‌ور، م. (۱۳۹۸). نقد و بررسی ترجمه سوره القارعه بر مبنای بافت زبانی آن (موردپژوهانه ترجمه‌های فولادوند و مکارم شیرازی). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۶ (۲۰)، ۲۷۱-۲۲۶.

آلوسی، م. (۱۳۷۲ هـ.ق). روح المعانی، به کوشش محمود شکر. بیروت: دارالکتب العلمیه.  
ابن جنی، ا. (۲۰۱۰). اللمع فی العربیة. کویت: دارالکتب الثقافیة.

استرآبادی، ر. (۱۹۹۶). شرح الرضی علی الکافیة. بنغازی: ناشر منشورات جامعة قاریونس.

اشرفی، ع.، سید النگی، ا. (۱۳۹۴). وجوه در ترجمه‌های قرآن. مطالعات ترجمه، ۱۳ (۴۹)، ۸۳-۱۰۰.

<https://journal.translationstudies.ir/ts/article/view/283>

جاد الرب، م. (۱۴۱۳). نظریه الحقل الدللیة و المعاجم اللغویة عند العرب. مجمع اللغة العربیة (۷۱)، ۲۵۸-۲۱۳.

جعفری، ی. (۱۳۸۴). کاربرد حرف لو در آیات قرآن، ترجمان وحی، ۹ (۱)، ۲۸-۱۹.

[magiran.com/p615918](http://magiran.com/p615918)

خرقانی، ح. (۱۳۹۸). مراعات نظیر در سوره انعام و نقش آن در انسجام سوره. پژوهش‌های قرآن و حدیث

(مقالات و بررسی‌ها)، ۵۲ (۲)، ۲۸۵-۳۰۶. [10.22059/IJQST.2020.294696.669433](https://doi.org/10.22059/IJQST.2020.294696.669433)

زجاج، ا. (۱۹۸۸). اعراب القرآن. بیروت: عالم الکتب.

زرقانی، م.، اخلاقی، ا. (۱۳۹۱). تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتار. دو فصلنامه علمی-پژوهشی

ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، ۴ (۶)، ۸۰-۶۱. <https://doi.org/10.22051/jml.2013.86>

الزركشى، ب. (۱۹۵۷). البرهان فی علوم القرآن، المحقق: محمد بن ابی الفضل ابراهیم، الطباعة الأولى، بیروت: دار الإحياء العربیة.

سبزواری، م. (۱۴۱۹). إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن، بیروت: دار التعاریف للمطبوعات.

سیدی، ح.، و رئیسیان، غ. (۱۳۹۱). واژه به مثابه تحلیل گفتمان قرآن. مطالعات اسلامی: علوم قرآن و

حدیث، ۴۴ (۸۹)، ۸۲-۷۳. [10.22067/NAQHS.V44I2.16399](https://doi.org/10.22067/NAQHS.V44I2.16399)

طبرسی، ف.، رسولی، ه. و یزدی طباطبایی، ف. (۱۴۰۸). مجمع البیان (۱۰ ج.). بیروت: دار المعرفة.

طیب، ع. (۱۳۷۸-۱۳۷۴). أطیب البیان فی تفسیر القرآن (۱۴ ج.). تهران: اسلام.

عابدینی نجف آبادی، ا. (مهر ۱۴۰۱). تفسیر آیه ۹۳ سوره انعام.  
عباس، ح. (۲۰۰۰). حروف المعانی بین الأصالة والحداثة. بیروت: دیوان اتحاد کتاب العرب.  
فیود، ع. (۱۹۹۸). علم المعانی دراسة بلاغیة ونقدیة لمسائل المعانی (۲ ج). القاهرة: مؤسسة المختار.  
قائمی نیا، ع. (۱۳۹۳). بیولوژی نص نشانه شناسی و تفسیر قرآن. ج. ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قرآن (۱۳۹۰). ترجمه غلامعلی حداد عادل. مشهد: آستان قدس.  
قرشی بنابی، ع. (۱۳۷۷-۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث (۱۲ ج). تهران: مرکز چاپ و نشر.  
قرشی، ع. (۱۳۶۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
کتفورد، ج. (۱۳۷۰). یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبان شناسی (رساله ای در زبان شناسی کاربردی). ترجمه احمد صدارتی. تهران: نشر نی.

لاینز، ج. (۱۳۹۱). درآمدی بر معناشناسی زبان، ترجمه کورش صفوی. تهران: علمی.  
لطفی پور ساعدی، ک. (۱۳۹۵). درآمدی به اصول و روش ترجمه، چاپ یازدهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مزبان، ع. ح. (۱۳۹۷). درآمدی بر معنی شناسی در زبان عربی، ترجمه: فرشید ترکاشوند. تهران: سمت.  
ملانظر، ح. (۱۳۸۲). مطالعات ترجمه: فرهنگ، زبان و ادب. مطالعات ترجمه، ۱(۱)، ۷-۳۰.

<https://journal.translationstudies.ir/ts/article/view/1>

ون دیک، ت. (۱۳۹۴). تحلیل متن و گفتمان، ترجمه: پیمان کی فرخی. آبادان: پرسش.

یول، ج. (۱۳۷۴). کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر. سمت: تهران.

Austin, J. L (1975). *How to Do Things with Words*. Oxford: University Press.

Buss, M.J. (1988). *Potential and actual interactions between speech act theory and Biblical studies*, *Semeia*, (Italy), No. 41.